

## تفسیری در مورد مواد ۲۳ و ۵۹ ب آیین دادرسی کیفری

برای توجیه و تشریح ماده ۵۹ ب آیین دادرسی کیفری چون مربوط است بوقتیکه متهمی در جرم مشهود دستگیر شود از اینجهت قبل از اینکه باصل مطلب پردازم مواردی را که جرم مشهود تلقی میشود با توجه بماده ۲۳ اصول محاکمات جزائی خلاصه ذکر مینمایم :

- ۱ - در صورتیکه جرم در مرئی و منظر مأمورین کشف جرم واقع شود.
- ۲ - بلافاصله مأمورین مزبور در محل وقوع جرم حاضر شوند.
- ۳ - مأمورین مذکور آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع ملاحظه نمایند.
- ۴ - در صورتیکه دسته و جماعتی که ناظر وقوع جرم بوده اند یا خود مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب معرفی نماید.
- ۵ - در موقعی نزدیک بزمان وقوع علائم و آثار واضحه و اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل مزبور بمتهم محرز شود.
- ۶ - در صورتیکه متهم در زمان نزدیکی پس از وقوع قصد فرار داشته یا در حال فرار یافورا پس از آن دستگیر شود.
- ۷ - وقتیکه متهم ولگرد باشد.

باتدقیق در موارد یاد شده میتوان قبول کرد که اکثر از جرائم ارتكابی مشهود است و ممکن است بایکی از قسمتهای مزبور شمول و همبستگی پیدا کند و مدعی العموم بدایت بخود حق بدهد با استفاده از ماده ۵۹ ب مرتکبین را بدون ادعای کتبی در جلسه برای محاکمه حاضر نماید.

اکنون لازم است نکاتی چند از ماده اخیر الذکر مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم شود که آیا بهتر است مدعی العموم بدایت کماکان در تمام موارد و بطور عادی برای اخذ تأمین از متهم بمستنطق رجوع نموده و با کیفرخواست تقاضای مجازات متهم را بنماید ؟ یا آنکه بدون اخذ تأمین و با بیان ادعای شفاهی متهم را در جلسه محاکمه حاضر نماید ؟

اینک برای روشن شدن موضوع و اشکالاتی که عملاً در محاکم ایجاد میشود ذیلاً قسمتهائی از ماده ۵۹ ب را یاد آور میشود :

- ۱ - در قسمت اول ماده میگوید :

« اگر متهمی در جنحه مشهود دستگیر شود مدعی العموم محکمه

**بدایت میتواند او را بدون ادعای نامه کتبی و بلافاصله در جلسه برای محاکمه حاضر نماید .**

باید دانست مقصود از جلسه کدام جلسه است اگر جلسه روزانه محاکم منظور است که قبلاً طبق دفتر وقت داده شده است و حق تقدم با کسانی است که قبلاً بانان اخطار شده در ساعات معین برای محاکمه حضور بهم رسانند و بعبارت دیگر داد گاهها تمام مدت روز را وقت عادی یا فوق العاده تعیین کرده اند و حضور متهم دیگر در وسط محاکمه موجبات تضییع وقت و حقوق دیگران را فراهم مینماید .

۲ - قسمت بعدی ماده مزبور میگوید :

« چنانچه محکمه جنحه تعطیل باشد مدعی العموم میتواند امر دهد که متهم را در توقیفگاه نگاهدارند و مکلف است که در اولین جلسه بعد متهم را در محکمه حاضر و علیه او اقامه دعوی نماید . »

در اینجا نیز باز معلوم نگردیده که مقصود از جلسه بعد که همیشه برای امور مطروحه دیگر منعقد است کدام جلسه است و همین ایراد و اشکال در قسمت بعدی ماده که میگوید :

« هرگاه نزدیکترین جلسه محاکمه نتواند زودتر از ۲۴ ساعت منعقد گردد مدعی العموم بایستی برای اخذ تأمین کافی موافق ماده ۱۴۹ بمستنطق رجوع نماید » و ارداست چه ممکن است نزدیکترین جلسه محاکمه زودتر از ۲۴ ساعت تشکیل شود ولی همانطوریکه یادآوری شد مربوط بامور دیگر است و قبلاً وقت تعیین گردیده و اختلاط دو وقت برای محاکمه امکان ندارد .

۴ - « مدعی العموم میتواند امر دهد بشهود قضیه شفاهاً اطلاع داده شود در محکمه حاضر شوند و در صورت عدم حضور میتواند از محکمه تقاضای جلب شهود را بنماید . »

در اینجا نیز بایستی توجه کرد که حضور شهود برای اداء گواهی شفاهی علاوه بر اینکه میسر نیست تا کنون رویه هم نبوده و بدان عمل نشده است و اگر فرضاً محکمه دستور جلب هم بتقاضای مدعی العموم صادر نمود معلوم نیست جلب آنان تا چه میزان و مدت طول خواهد کشید و در اینصورت منظور قانونگذار که سرعت در رسیدگی بوده منتفی است .

۵ - « محکمه مکلف است بمتهم اخطار نماید که او حق دارد برای تدارک دفاع خود استمهال بکند چنانچه متهم از این حق استفاده نماید لااقل سه روز مهلت خواهد داد و این اخطار و جواب متهم بایستی در حکم محکمه قید شود . »

در اینخصوص کافی است گفته شود یکی از تدارکاتی که متهم میتواند برای دفاع

تفسیری در مورد مواد ۴۳ و ۵۹ آئین دادرسی کیفری

از خود تهیه بیند طبق مواد ۳۰۸ و ۳۰۹ اصول محاکمات جزائی تقاضای تعیین وکیل است که باتوجه بنحوه تعیین وکیل واحضر مشارالیه بدادگاه مدتی وقت لازم دارد که مسلماً پیش از سه روز است ومعلوم نیست در اینگونه موارد در صورتیکه وکیل بعداً هم عذر موجهی بدادگاه دهد که موجب تجدید جلسات بشود تکلیف دادگاه چه خواهد بود ؟ بالاخره ماده ۵۹ ب بطور صریح روشن نموده است که در صورتیکه متهم در دادگاه محکوم بشود آیا قاضی دادگاه بایستی وظیفه مستنطق را هم انجام داده وتأمین بگیرد یا نه ؟

و این امر باید قبل از شروع برسیدگی انجام شود یا بعد ؟  
وچنانچه متهم تقاضای استیناف نماید رسیدگی محکمه استیناف بچه ترتیب است ؟  
بدیهی است در صورتیکه در محکمه استیناف موضوع بطریق عادی مورد رسیدگی قرار گیرد منظوری که مقنن از وضع این ماده داشته بهیچوجه حاصل نخواهد شد.  
در خاتمه بنظر اینجانب بجهات زیر مرجح است که آقایان مدعیان عمومی بدایت جز در مواردیکه اشکالات یاد شده بهیچوجه پدید نیاید از ماده ۵۹ ب اصول محاکمات بعنوان جرم مشهود استفاده نفرمایند و کماکان پس از اخذ تأمین و صدور ادعانامه پرونده را بدادگاه جنجه ارسال فرمایند و جهات مزبور بقرار زیر است :

۱ - درست است که علی الظاهر بیان ادعای شفاهی وحاضر کردن متهم در دادگاه و در صورت ارتکاب بجرم مشهود تسریعی در کار دادسرا ایجاد مینماید ولی بطوریکه یادآوری شد عملاً موجب گسیختن نظم وترتیب محاکمات جریانی در دادگاهها خواهد شد و بدیهی است چنانچه سرعت در کار منظور نظر باشد بایستی این سرعت در تمام شئون ومراجع مختلف مجری باشد نه اینکه پرونده از یکجا ب سرعت رد شود و در جای دیگر متوقف بماند .

۲ - چه از طرف مدعی العموم شهرستان ادعانامه صادر بشود چه طبق ماده ۵۹ ب قضیه بدادگاه ارجاع شود از لحاظ دادسرا چون پرونده ای رد میشود نتیجه یکیت وحال آنکه استفاده از قسمت اخیر همانطوریکه مذکور افتاد عملاً تولید اشکال وزحمت برای محاکم مینماید .

۳ - در ماده ۵۹ ب مؤکداً قید نگردیده که دادگاه حتماً از متهم تأمین اخذ نماید یا نه ؟ و چه بسا بعلمت عدم اخذ تأمین موضوع در اجرای احکام وموارد احضار دچار اشکال وتزلزل میشود .

۴ - ارجاع یک پرونده و متهم بلامتکلیف بیکدادگاه آنهم در وسط وحين انجام اموردیگر موجبات تشتت ومخلوط شدن قضایا بایکدیگر است بالنتیجه قاضی محکمه نمیتواند آنطوریکه شاید وباید بموضوع رسیدگی نماید .

۵ - همانطوریکه بطور خلاصه از ماده ۲۳ اصول محاکمات مواردی ذکر گردید میتوان اکثر از جرائم را مشهود تلقی نمود وحال آنکه خواه بطور مطلق و خواه بطور نسبی بشرحیکه داده شد عدم استفاده از مواد مزبور ارجحیت دارد .  
البته نکات ومواد دقیق تری نیز عملاً در کار هست که بعلمت تطویل مطلب فعلاً از ذکر آن خودداری میشود .